



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۲/۲۵

میر عبدالواحد سادات

معرفی کتاب:

## "قرار داد" قطر

### صلح یا سراب

این رساله حاوی سلسله از نقادانه‌های حقوقی - سیاسی پیرامون "قرارداد" قطر است که در سال گذشته میلادی ازین قلم بنشر رسیده است.

قبل از پرداختن به مباحث این رساله، به تأکید باید خاطر نشان نمایم که: صلح خواست اساسی و نیاز واقعی مردم مظلوم ما و شرط حفظ و بقای افغانستان می‌باشد.

با این تشخیص، نوشتن در مورد صلح، مسایل و مصایب افغانستان بحساب «شوق نوشتن» و یا نسخه پردازی از «برج عاج» دنمارک نه، بل، انگیزه اصلی برای من، بمثابة يك شاگرد حقوق و علوم سیاسی، دفاع از حق و حقیقت و ارزش‌های متعالی حقوقی است که در پرتو آن، امکان دستیابی به صلح واقعی و پایدار ممکن می‌گردد و البته بحیث يك روشنگر افغان که خود را مقروض وطن و مردم می‌دانم، و جیبه انسانی، خود می‌دانم، تا صدای نعل آغشته بخون مادر وطن را بازتاب دهم.

در حالی که سر و صدا در مورد "سراب صلح" از سال (۲۰۰۴ م) و تحت عناوین مختلف مطرح است و از سال (۲۰۱۲ م) دفتر سیاسی طالبان در کشور قطر فعال می‌باشد و بعد از نشست‌ها و کنفرانس در مورد صلح در کابل و انفاذ سه روزه آتش‌بس با طالبان در ایام عید، در يك چرخش هالیودی رئیس جمهور ترامپ، این جریان در سطح يك پروژه و در خدمت اهداف انتخاباتی شان قرار داده شد و "سریال قطر" بعد از هجده ماه و یازده دور نشست‌های نماینده خاص وزارت خارجه امریکا، دوکتور خلیل زاد با طالبان با "قرارداد" دوحه منتهی گردید.

بدین ترتیب، بدون درس عبرت از خشت کج "نشست بن"، بنای معوج دیگری را بگونه «مهندسی» نمودند که عواقب آن، لبنان ساختن افغانستان و قرار گرفتن در سراشیب سقوط و... می‌باشد.

اکنون این مردم مستضعف و تشنه به صلح افغانستان است که: در برزخ شرارت طالبانی با خواست احیای امارت قرون وسطایی و جمهوری "سلطانی" و حاکمیت فساد، باید و از سرمجربیت نسخه‌های (مؤسسه رند، G H Q و ISI، پاسداران ایران، "دولت انتقالی ائتلافی برای تقسیم قدرت" و "حکومت وسیع‌البنیاد اسلامی" کابلوف) را اکسیر نجات قلمداد نمایند.

بدینرو: ضرور است تا در پرتو عقلانیت سیاسی و با چنگ زدن به منافع و مصالح علیای افغانستان، حلقه اصلی را تشخیص دهیم که با توسل به آن، از «سقوط» و «انقطاعی» جلوگیری گردد که در اوایل و اخیر قرن بیست مردم ما، دوبار آن تجربه دهشتبار را آزمایش نموده اند.

بر مبنای همین شناخت، باید: حفظ نظام و ارزش‌های مندرج در قانون اساسی در سرخط کار ما قرار گیرد. دستیابی به این مأمول بزرگ ملی: از طریق مذاکرات مستقیم و بلاقید و شرط دولت افغانستان و طالبان بخاطر دستیابی به صلح مشروط ممکن می‌گردد. دولت و طالبان، همیشه به یاد داشته باشند که فقط راه حل سیاسی برای ختم آفت جنگ وجود دارد.

مردم مظلوم افغانستان که حدود نیم قرن جنگ تحمیلی را متحمل شده اند، حق دارند و مستحق می‌باشند تا به صلح واقعی و دایمی گذار نمایند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

میرهن است که مردم، نه سقوط قهقرایی به امارت و اسارت را می‌خواهند و نه طرفدار آن اند که از دستاوردها "پیراهن عثمان" ساخته شود.

زمانی که از جمهوریت صحبت می‌شود، به یاد داشته باشیم که این اصل از همان یونان و روم و بویژه بعد عصر روشنگری، کانت و روسو، در، دو حاکمیت:

- حاکمیت ملی

- حاکمیت قانون

تعریف و متمایز می‌گردد که "امارت اسلامی" هر دوی آن را قبول ندارد.

حاکمیت ملی بر طبق منشور سازمان ملل متحد و میثاق‌های بین‌المللی و بر طبق قانون اساسی به طور انحصاری به مردم تعلق دارد و با اعمال آن مردم در مورد نوعیت رژیم سیاسی و زعامت کشور تصمیم می‌گیرند. معیار وفاداری دولت و طالبان به اراده ملی و تبارز حق حاکمیت ملی، رفتن بطرف آتش‌بس سراسری است تا مردم مظلوم آزادانه خواست شان را بخاطر تعیین مقدرات شان ابراز نمایند.

اکنون که اداره رئیس جمهور جدید امریکا از «بازنگری» صحبت می‌نماید، باید با صدای رسا این خواست برحق مردم را بلند نماییم که: "بازنگری" در صورتی که وداع با برخورد دهشتبار «کلوخ را گذاشتن و از آب گذشتن» و افغانستان را غرق ساختن است، در گام اول باید در تغییر و تعدیل سیاست کجدار و مریز آن کشور مصداق واقعی پیدا نماید:

تراژیدی خونبار افغانستان و تداوم آن معلول و مداخله و تجاوز خارجی است و احوال ناهنجار کنونی محصول سیاست‌های کجدار و مریز دولت‌های ایالات متحده امریکا و انگلستان در دو دهه اخیر است که با آبیاری درخت تروریسم در پاکستان و شاخ بری آن در کشور ما، دمار از روزگار مردم به عزانشسته بیرون نموده اند. تا زمانی که پاکستان مأمن امن برای تروریستان باشد و دست نفوذ بر فسادسالاران باشد، صحبت از صلح، کماکان «سراب» می‌باشد.

بر مبنای همین ضرورت تاریخی که با تعیین سرنوشت افغانستان گره خورده است، این رساله آماده گردیده، تا در احوالی که کارد دشمنان تاریخی وطن به استخوان رسیده، رک و راست و بدون حاشیه پرداززی، صدای مسلکی و روشنگرانه را از نام مردم و بخاطر نجات آنان بازتاب دهیم.

مأمول فوق درین رساله و در دوازده فصل مطرح گردیده و "قرارداد دوحه"، در مطابقت با معیارهای قبول شده حقوق بین‌المللی بمثابه شکست حقوقی و اخلاقی دولت ایالات متحده امریکا مورد بررسی قرار گرفته و ماهیت غیرحقوقی آن توضیح گردیده و بخش‌های مخفی "قرارداد" و مواردی را که عمداً مسکوت گذاشته اند (نقش پاکستان بحیث مأمن امن طالبان و اقتصاد جرمی و مواد مخدر) افشا شده و راه‌های مقابله عملی با دسایس پاکستان مورد ارزیابی قرار گرفته است.

در آماده ساختن این رساله، جا دارد از رهنمایی استاد بزرگوارم جناب پوهاند دوکتور فاضلی اظهار سپاس نمایم. جناب هادی ابوی حقوقدان و دیپلومات سابقه‌دار و مجرب، رئیس شورای افغانان مقیم دنمارک با کمال لطف این رساله را تدقیق و تقریظ بر آن نوشته است که از ایشان سپاسمندم.

حقوقدان و فرهنگی نستوه جناب محمد قاسم آسمایی ویرایش این رساله و جناب تمیم ابوی مسؤل همیشه کوشای نشرات انجمن حقوقدانان افغان در اروپا با کمال لطف این رساله را بدقت خاص و همیشگی آن را برگ آرایبی نموده که از هر دو سروران گران ارج سپاسمندم.

همچنان از قیل مراتب امتنان خود را به ژورنالیست سابقه دار و نویسنده بلند مرتبت جناب محمد صفر خواریکش که این رساله را به زبان پشتو برگردان می‌نماید، تقدیم میدارم.

یادداشت:

عزیزانی که علاقمند مطالعه این کتاب باشند، در ایمیل، مسنجر، و تسپ و وایبر شان تقدیم می‌گردد

باحرمت

میر عبدالواحد سادات

ایمیل آدرس:

Mir - sadat @ hotmail. Com

شماره موبیل، وایبر و تسپ:

004527294949